

ادامه از صفحه اول

سیاوش و فرنگیس

پیران شادمانه خواسته سیاوش را پذیرفت و با شتاب به نزد همسر خردروز خود، گلشهر برقت و به او گفت با جریره سخن از سیاوش و خواستاری او بگو که امروز بسیار شادمانم و چگونه شاد بناشم که نبیره کی‌قباد، داماد من می‌شود. گلشهر، جریره را آماده کرد و او را چون بهاری خرم بیاراست و به آیین تورانیان و ایرانیان میان آن دو پیوند زدند و جریره را همان شب به نزد سیاوش فرستادند.

سیاوش چون روی جریره بدید، شادمانه بخندید و شب و روز با او بود، آن‌چنان‌که دیگر از کاووس یاد نکرد و از آزدگی‌هایش سخنی نگفت

و چون زمانی از این پیوند بگذشت و افراسیاب تعلق خاطر سیاوش به توران را بدید، بیش از پیش دل به او بست و جاه و گاه او را برتری بخشید.

روزی پیران به سیاوش گفت: «تو خود بهتر می‌دانی، افراسیاب، سالار توران با همه شکوه و فره‌اش، دل به تو دارد و شب و روز، روشن روانش تو هستی و اگر با تو پیوند خونی داشته باشد، پایگاه تو از این نیز فراتر رود و در آینده، توران را به تو سپارد، اگرچه دخت من همسر توست، ولی آرزو دارم جاه و گاه تو از این نیز فراتر رود؛ افراسیاب در پس یرده دختری به نام فرنگیس دارد که در همه کیتی چو او چنان روی و مویی نبینی. به قامت چون سرو سهی است و هنرهای بسیار دارد و همسری بی‌همانتد برای تو خواهد بود. اگر او را از افراسیاب بخواهی، گزینشی زیبا داشته‌ای و اگر فرمان دهی، با او بگویم که نزد شاه آبرویی دارم».

تو دانی که سالار توران سپاه/ ز اوج فلک بفرزاد کلاه

شب و روز، روشن روانش تویی/ دل و هوش و توش و توانش تویی

چو با او تو پیوسته خون شوی/ از این پایه هر دم به افزون شوی

اگرچند فرزند من خویش توست/ مرا غم ز بهر کم‌وبیش توست

فرنگیس مهتر ز خوبان اوی/ نبینی به کیتی چنان موی و روی

سیاوش به پیران نگاه کرد و گفت: «اگر آسمان چنین رأی دارد، از فرمان یزدان نمی‌توان روی گرداند. اکنون که دیگر اندیشه بازگشت به ایران را ندارم و می‌دانم هرگز رستم، پرونده خویش را نخواهم دید و برای همیشه از بهرام و زنگه شاوران جدا مانده‌ام، برای من پدری و از او خواستگاری کن». با این سخن که دیگر ایران را نخواهد دید، اهی سرد از سینه برآورد و بر مژگانش مروراید اشک درخشیدن گرفت.

همی گفت و مژگان پر از آب کرد/ همی بر زد اندر میان باد سرد

بدو گفت پیران که با روزگار/ شاید خرد یافته کارزار

به ایران اگر دوستان داشتی- به یزدان سپردی و بگذاشتی

و با این سخن، پیران با چهره‌ای شاد به درگاه افراسیاب رفت و زمانی چند نزد او بماند. افراسیاب دانست که پیران درخواستی از او دارد که در بیان آن تردید نشان می‌دهد. به او گفت: «همه سپاه و کنج من در اختیار توست، چه کسی در بند است و آرزو داری آزاد شود، بخواه تا آزادش کنم. اگر بر کسی خشمگین هستم و تو خواستار آرامش اوبی، بگو که خشم من بر یاد خواهد رفت».

آشوبی در دل افراسیاب پا شنیدن این درخواست برپا شد و با دیدهای پرآب گفت از یک پیشگو و ستاره‌شناس سخنی را شنیده است که پیران از آن آگاه نیست، آن پیشگوی خردمند به من گفته است: «ای دایه بچه شیر از تو قوم ایرانی و تورانی، شهرواری پای به عرصه هستی خواهد گذارد که جهان را به زیر نگین خویش خواهد کشاند و چنان توران را به ستم بگیرد که در این سرزمین هیچ دیواری راست‌قامت نایستد، تو را از اورنگ شهرباری فروکشد و کلاه پادشاهی‌ات را بر زمین افکند. اکنون گویا آنچه او بگفت، چهره واقعیت به خود می‌گیرد و چرا باید درختی را کاشت که برگ‌برکش زهرآگین است و میوه‌اش کبست. شهرباری که از پشت کاووس و افراسیاب باشد، به کدام قوم گرایش می‌یابد و بر کدام قوم خشم می‌گیرد؟»

پیران‌وبسه گفت: «فرزندی که از سیاوش باشد، بی‌گمان خردمند و بیداردل است که سیاوش خود مظهر نکویی و راست‌اندیشی و درست‌کرداری است، به سخن ستاره‌شمران نباید چندان نگاهی باورمندانه داشت…

ادامه در صفحه ۴

قطار نسل اول انقلاب در حال رسیدن به ایستگاه پایانی است و نسل جدیدی از انقلابیون حزب‌اللهی در حال تولد. هاشمی و یزدی نماد دو گرایش سیاسی- فکری بعد از انقلاب بودند که به تدریج مواضعشان بییش از پیش از هم دور شد؛ یکی به سمت چپ متمایل شد و دیگری راست. اگرچه باید ریشه این افتراق را در همان گذشته‌ها جست‌وجو کرد. محمد یزدی به جناح روحانیون قم تعلق داشت اما هاشمی به تهران. خود یزدی گفته بود که هاشمی بیشتر با بهشتی مانوس و در تهران بود تا قم؛ تا جایی که درباره هاشمی گفته بود: «بی‌برده باید بگویم. من با ایشان بحث طلبگی خیلی کرده‌ام، در دو دوره رئیس مجلس بود و من نایب‌رئیس و عضو هیئت‌نایسه بودم و بخشی از ادارات مجلس و به‌خصوص اداره قوانین به عهده ما بود. من رئیس کمیسیون قضائی بودم که جنبه حقوقی دارد. طبعاً همتایای یک جلسه هیئت‌رئیس داشتیم. مسائلی پیش می‌آمد که به مبانی آخوندی و طلبگی و آخوندی و شرعی می‌رسید. مکرر با هم بحث می‌کردیم و به نقطه‌هایی می‌رسید که به ایشان می‌گفتم این دیگر بحث روشنفکری است و بحث اجتهاد نیست. اجتهاد مبانی خاصی دارد و باید از طریق اجتهادی بحث شود. شما از طریق روشنفکری بحث می‌کنید و من اینها را قبول ندارم». همین توصیف یزدی نشان‌دهنده دو جریان سیاسی- فکری است که هرکدام نماینده‌اش بودند. هاشمی در سیاست روحانی‌ای عمل‌گرا شد که حتی در دوره‌ای از امام خواسته بود مسئله ایران و آمریکا را در زمان حیات خودش حل کند و یزدی نماینده تفکری که با خوانش خاص فقهی‌اش حضور یک غیرمسلمان را در شورای شهر جایز نمی‌دانست.

«متأسفانه ایشان بر اثر مشکلات جسمی گاهی دچار عصبانیت می‌شود و عجولانه اعلام نظر می‌کند. سال‌هاست که جواب من به آقای یزدی درخواست شفا برای ایشان است و ارسال سلام؛» گوینده این جملات و مخاطبش حالا به فاصله چهار سال از هم درگذشته‌اند؛ هاشمی‌رفسنجانی سال ۹۵ و محمد یزدی دیروز.

محمد یزدی متولد ۱۰ تیر ۱۳۱۰ در اصفهان بود. از سال ۶۴ تا زمان درگذشت عضو شورای نگهبان بود. در دومین، سومین و چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری عضویت داشت و در چهارمین دوره برای یک سال به ریاست این مجلس رسید. او که از دوره دوم مجلس خبرگان رهبری تا دوره چهارم عضو آن بود، با ناکامی در انتخابات سال ۱۳۹۴ این مجلس از راهبایی مجدد به آن بازماند. یکی از مهم‌ترین مقاطع زندگی سیاسی او، ریاست بر قوه

قضائیه در دهه ۷۰ (۶۸ تا ۷۸) و دو سال آخر ریاست او مقارن با دولت اصلاحات بود. حذف دادسراها که در دوره شاهرودی احیا شد، از جمله اقدامات جنجالی او در این دوره به شمار می‌رود. در سال ۱۳۷۸، زمانی که آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی ریاست قوه قضائیه را از آقای یزدی تحویل گرفت، در اظهارنظری جنجالی این نهاد را «مخروبه قضائی» خواند.

اظهارنظرهای سال‌های اخیر آیت‌الله یزدی همواره او را در کانون توجه قرار می‌داد. مثلاً مصرانه بر لغو عضویت سینتا نیکام از شورای شهر یزد تاکید می‌کرد. گفته بود: «فقه‌ای شورای نگهبان راجع به یک اقلیت مذهبی تصمیم گرفته‌اند. این تصمیم قانونی، شرعی، قطعی و غیرقابل تغییر است و بدون تعارف عرض می‌کنم اگر کسانی دنبال این هستند که مصوبه قانونی را برگردانند، در حقیقت مقابله با اصل نظام جمهوری اسلامی ایران است. لغو عضویت عضو زرتشتی شورای شهر یزد «غیرقابل برگشت» است». برخی اظهارنظرها و نامه‌نگاری‌هایش علیه شخصیت‌های سیاسی و

سیاست

درگذشت شیخ‌الشیوخ جامعه مدرسین



که چرا گرفتید؟! به اسم مدرسه علمیه، کاخ ساختند! آیا ارث پدرت نبود، از کجا آوردی ساختی؟». مورد دیگر انتشار علنی نامه تند و انتقادآمیز به آیت‌الله موسی شبیری‌زنجانی و بازخواست از وی برای دیدار با محمد خاتمی رئیس‌جمهوری پیشین که بازخوردها واکنش‌های زیادی را برانگیخت. بیش از این هم آیت‌الله یزدی در سال ۸۸ و در اوج تنش‌های بعد از انتخابات سال ۸۸، موضوعی را خطاب به مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی مطرح کرد که با واکنش صریح او روبه‌رو شد و گفت آقای هاشمی این را بدانید که دنبال شما نمی‌آیم. آیت‌الله هاشمی دراین‌باره

علت فوت آیت‌الله یزدی اعلام شد

ایلنا: حجت‌الاسلام حمزه قربانی، رئیس دفتر آیت‌الله یزدی گفت: مرحوم آیت‌الله محمد یزدی سال‌ها از بیماری گوارشی رنج می‌برد اما در چند ماه اخیر شدت بیماری‌شان بسیار زیاد شد و ایشان در ماه‌های اخیر در منزل بستری بودند. دبیر شورای نگهبان به مناسبت درگذشت آیت‌الله محمد یزدی یکپایمی صادر کرد. متن پیام آیت‌الله جنتی، رئیس مجلس خبرگان رهبری و دبیر شورای نگهبان، به مناسبت درگذشت آیت‌الله محمد یزدی به شرح زیر است: بسم‌الله الرحمن الرحیم، انالله و انا الیه راجعون. قال رسول الله (ص): اذا مات العالم الفقیه ثلم فی الاسلام ثلْمَةٌ لاَیْسِدُها شیء. با کمال تأسف و تأثر مطلع شدیم عالم مجاهد و یارسا حضرت آیت‌الله محمد یزدی رضوان‌الله تعالی علیه به لقاءالله پیوست. این عالم بزرگوار از مبارزان راه دشوار انقلاب اسلامی و از چهره‌های اثرگذار و یاران صمیمی نظام جمهوری اسلامی بود و در همه عرصه‌های مهم کشور، صادقانه، افضائی نقش کرد. عضویت در شورای نگهبان، ریاست قوه قضائیه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه از جمله

گفت: «در مورد سخنان اخیر آقای یزدی همان‌گونه که قبلاً هم گفتم جوابیم تاکنون به سخنان توأم با عصبانیت و غرض‌الود ایشان سلام بوده است، ولی گفته بود: «فلانی می‌گوید اگر این کار را نکنید نجف می‌روم! خب بروید، آیا با رفتن شما قم به‌هم می‌خورد؟ شما در قم بودنتان هم خیلی مؤثر نبود، چه رسد که نجف بروید. رئیس دفتری که ۱۰ سال، جای مهمی را اداره کرده دستگیر می‌شود، بعد اعتراض می‌کند که چرا گرفتید؟! به اسم مدرسه علمیه، کاخ ساختند!

زمانی هم که سال ۸۹ آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دفاع از شورای رهبری سخن گفته بود، باز آیت‌الله یزدی واکنش نشان داد که در نتیجه هاشمی او را به‌خاطرآتش ارجاع داد که بر مبنای آن آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و مقام معظم رهبری هر دو چه در زمان عزل آیت‌الله منتظری و چه در جلسه انتخاب رهبری بعد از رحلت امام(ره) موافق شورای رهبری بودند نه رهبری فردی.

محمد یزدی رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم هم بود؛ جامعه‌ای که زمانی در کنار جامعه روحانیت در حوزه سیاست بسیار نقش‌آفرین بود اما این سال‌ها کم‌فروتر شده بود. به نظر می‌رسد همان‌طور که جامعه روحانیت بعد از فوت آیت‌الله مهدوی‌کنی و درگذشت یا کتارەگبري چهره‌های مؤثرش کم‌کم حاشیه‌نشین سیاست در جناح راست شد، جامعه مدرسین هم به همین سرنوشت دچار شود و با فوت آیت‌الله محمد یزدی این جامعه که زمانی به علت اختلافات درونی تا مرز فروپاشی هم پیش رفت، بیش از قبل اثربخشی‌اش را از دست بدهد. جامعه مدرسین سال ۸۸ از احمدی‌نژاد حقیقت کرد. در سال ۱۳۹۲، اختلاف نظر درخصوص حمایت از یک نامزد واحد، این تشکل را تا تنش‌هایی جدی مواجه کرد؛ تا جایی که خود آیت‌الله یزدی گفته بود این اختلافات جامعه مدرسین را تا مرز تجزیه و فروپاشی پیش برده بود. ماجرا بر سر این بود که طیف نزدیک به آیت‌الله مصباح حامی سعید جلیلی بودند و طیف نزدیک به آیت‌الله یزدی حامی علی‌اکبر ولایتی. گرچه پس از انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهوری، اختلاف‌نظرها در این تشکل با جلسه سه‌نفره محمد یزدی، محمدتقی مصباح‌یزدی و محمدرضا مهدوی‌کنی تا حدی رفع شد؛ گرچه این اختلافات آتش زیر خاکستر باقی ماند و در ماجرای بگویم‌گوی رؤسای سابق قوه قضائیه در سال گذشته باز زبانه کشید. به نظر می‌رسد با درگذشت آیت‌الله یزدی جامعه مدرسین در راه بیشتر پیش‌رو نداشته باشد؛ یا به سمت تجزیه و انشقاق پیش رود یا همچنان حاشیه‌نشین سیاست بماند.

عنوان نماینده مجلس معرفی می‌کنیم؛ باید ظرفیت و قابلیت اجرای آن برنامه‌ها را داشته باشند. اگر اجرای برنامه‌ها با موانعی روبه‌رو می‌شود، باید آن موانع با جامعه در میان گذاشته شود و اگر نامزدهایی که معرفی می‌شوند مورد تأیید قرار نمی‌گیرند و از صحنه انتخابات کنار گذاشته می‌شوند باید با روشنی و شفافیت با مردم در میان گذاشت، اما از خواست و مطالبه واقعی مردم فروگذار نبود. وقتی با اجرای برنامه‌ای به مردم تعهد می‌دهیم یا باید آن را اجرا کنیم یا عوامل و دلایلی را که مانع اجرا هستند، به‌روشنی با مردم در میان بگذاریم و اگر مفید یا لازم است با استعفا از صحنه کنار برویم.

آن روزها بی‌گانه مطرح می‌شود و بازتاب پیدا می‌کند، اصالت ندارد و کذب است. او تأکید کرد: رهبری در سلامت کامل هستند و این اخبار از اساس غلط است. عضو مجلس خبرگان رهبری با بیان اینکه جلسه اخیر مجلس خبرگان فوریت نداشته است، عنوان کرد: جلسه‌ای که صحبت از تشکیل آن مطرح می‌شود، ارتباطی با اخبار کذبیه که درخصوص سلامت رهبر انقلاب منتشر شده، ندارد. هیئت‌رئیس خبرگان رهبری بر اساس برنامه روتین، هر چند وقت یک بار جلساتی برگزار می‌کند.

۴ **این‌طور به نظر می‌رسد که اصلاح‌طلبان موفق به کادرسازی نیرو در سال‌های اخیر نشده‌اند. کارکرد احزاب اصلاح‌طلب چیست؟ چرا عمده احزاب این طیف در شب‌های انتخابات بروز می‌کنند؟** کارآمدشدن احزاب و حضور مؤثر آنها و در حقیقت حضور حاکمتری آنها در عرصه سیاست و انتخابات نیازمند جدی گرفته‌شدن احزاب در عرصه سیاسی از سوی حاکمیت و در قوانین است؛ در حالی که اساسا انتخابات ما هیچ نسبتی با احزاب ندارد. توجه داشته باشید که در بسیاری از کشورها و به‌خصوص کشورهایی که نظام انتخاباتی توانمندی دارند احزاب محور انتخابات هستند، اما شما می‌بینید در کشور ما اساسا هیچ حقی برای احزاب در انتخابات حتی که یک فرد در انتخابات دارد، وجود ندارد. همان‌طور که یک فرد می‌تواند نامزد و برنامه داشته باشد یا نسبت به برگزاری انتخابات انتقاد داشته باشد، حزب هم همین‌قدر حق دارد. اینکه دامنه انتظارات از احزابی را که عملا از منابع شخصی خودشان تغذیه می‌کنند و در قوانین هم جایگاهی ندارند، بیش از حد نباید بالا برد. در عین حال به‌طور عمومی آنچه به عنوان نقد در سؤال شما درباره کارکرد احزاب مطرح شده، دور از واقعیت نیست.

۴ **یکی از مسائل مبهم درباره اصلاح‌طلبان، دیدگاه‌های طبقاتی و ایدئولوژیک آنهاست که دقیقاً اصلاح‌طلبان چه تعریف می‌شوند و برنامه آنها برای بهبود وضعیت جامعه چیست؟ کدام طبقه را رهبری می‌کنند؟**

اصلاح‌طلبان یک طبقه خاص اجتماعی- اقتصادی نیستند؛ اصلاح‌طلبان و اصلاح‌طلبی یک جریان گسترده اجتماعی و یک روش سیاست‌ورزی است که در بین آنها از همه طبقات جامعه حضور دارند. احزاب متمایل به همه طبقات اجتماعی ممکن است در میان اصلاح‌طلبان یافت شوند؛ بنابراین اینکه ما بگوییم اصلاح‌طلبان به یک قشر و طبقه اجتماعی تعلق دارند، واقعی نیست. شما خود شاهدید که بخش مهمی از طبقات فرودست جامعه در مواجهه با حکومت به روش‌های متفاوتی در این زمینه دارند. حتی در میان صاحبان سرمایه هم کسانی یافت می‌شوند که در این مواجهه به روش اصلاح‌طلبی توجه ویژه دارند. شما این نکات را به این حساب بگذارید که اصلاح‌طلبی یک حزب نیست، بلکه یک جریان و جنبش اجتماعی است که از تمام طبقات جامعه در آن حضور دارند؛ هرچند در گذشته نه‌چندان دور بخش مهمی از این جریان را طبقه متوسط تشکیل می‌دادند، ولی امروزه شرایط اقتصادی جامعه به نفع تغییر کرده که عملاً بخش مهمی از این طبقه اجتماعی به گروه فرودست سقوط کرده است.

روزنه

پیام روحانی به مناسبت درگذشت آیت‌الله یزدی

● پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری: رئیس‌جمهوری در پیامی با تسلیت رحلت آیت‌الله محمد یزدی تأکید کرد: این عالم مجاهد و انقلابی و یار دیرین امام و انقلاب، عمر شریف خود را در دفاع و صیانت از آرمان‌های نظام اسلامی سپری کرد و خدمات ارزشمندی به یادگار گذاشت که یقیناً در خاطر مردم قدرشناس ایران باقی خواهد ماند. حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن روحانی در این پیام افزود: رحلت یار دیرین امام و انقلاب، حضرت آیت‌الله محمد یزدی موجب تأثر و اندوه فراوان شد. روحانی تأکید کرد: این عالم مجاهد و انقلابی که از سابقون نهضت امام خمینی(ره) بود، در تمامی مراحل حساس و خطیر نظام اسلامی نقش‌آفرین بود و با حضور مؤثر در سنگرهای مختلف خدمتگزاری از جمله مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، قوه قضائیه و شورای نگهبان عمر شریف خود را در دفاع و صیانت از آرمان‌های نظام اسلامی سپری کرد و خدمات ارزشمندی به یادگار گذاشت که یقیناً در خاطر مردم قدرشناس ایران باقی خواهد ماند.

رئیس‌جمهوری در این پیام تصریح کرد: اینجانب این مصیبت را به محضر مقام معظم رهبری، علمای اعلام، حوزه‌های علمیه، نمایندگان مجلس خبرگان، شاگردان و علاقه‌مندان به‌ویژه بیت مکرم آن عالم وارسته تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال برای ایشان رحمت و رضوان الهی و برای عموم بازماندگان صبر و سلامتی مسئلت دارم.

جامعه‌روحانیت مبارز:

آیت‌الله یزدی در خط مقدم دفاع از مقام ولایت بود

● ایلنا: جامعه روحانیت مبارز با صدور پیامی ارتحال آیت‌الله محمد یزدی را تسلیت گفت. متن پیام تسلیت به شرح ذیل است: بسم‌الله الرحمن الرحیم. اذ مات العالم ثلم فی الاسلام ثلْمَةٌ لاَیْسِدُها لا یسِدُها شیء. ارتحال عالم مجاهد حضرت آیت‌الله محمد یزدی رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم موجب تأسّف و تأثر فراوان گردید. این یار وفادار و شخصیت ممتاز و الگوی انقلابی حضرت امام خمینی(رحمه‌الله علیه) و مقام معظم رهبری همواره با شجاعت، قاطعیت و صراحت و با روحیه‌ای انقلابی و خستگی‌ناپذیر در تمام سئو‌های خدمت به نظام اسلامی و اعتلای نام نهضت انقلابی ملت ایران در صحنه حاضر بود. ایشان چه در مقام یک مدرس و استاد برجسته حوزه‌های علمیه و چه در کسوت یک سیاست‌مدار و یا خطیب نماز جمعه همواره با زبانی گویا و صریح در خط مقدم دفاع و صیانت از مقام ولایت و ارزش‌های والای حاکمیت اسلامی مستحکم و با صلابت گام برداشت. جامعه روحانیت مبارز این ضایعه بزرگ و فقدان این شخصیت ارزشمند را به محضر مقام معظم رهبری، مراجع عظام تقلید، اعضای محترم جامعه مدرسین، روحانیت و حوزه‌های علمیه، شاگردان و میردان و دوستاندارن آن مرحوم و به بیت مکرم و فرزندان برومند ایشان تسلیت و تعزیت عرض می‌کند.

وضعیت جسمانی رهبر انقلاب از زبان عضو مجلس خبرگان

● برنا: آیت‌الله «هاشم هاشم‌زاده‌هریسی»، عضو مجلس خبرگان رهبری، ضمن تأکید بر سلامتی رهبر معظم انقلاب گفت: اخباری که هرازچندگاهی در رابطه با سلامتی رهبر معظم انقلاب توسط رسانه‌های بیگانه مطرح می‌شود و بازتاب پیدا می‌کند، اصالت ندارد و کذب است. او تأکید کرد: رهبری در سلامت کامل هستند و این اخبار از اساس غلط است. عضو مجلس خبرگان رهبری با بیان اینکه جلسه اخیر مجلس خبرگان فوریت نداشته است، عنوان کرد: جلسه‌ای که صحبت از تشکیل آن مطرح می‌شود، ارتباطی با اخبار کذبیه که درخصوص سلامت رهبر انقلاب منتشر شده، ندارد. هیئت‌رئیس خبرگان رهبری بر اساس برنامه روتین، هر چند وقت یک بار جلساتی برگزار می‌کند.

غلامعلی جعفرزاده: نان آقایان در تحریم و فشار است

● عصرایران: غلامعلی جعفرزاده، نماینده سابق مجلس، با اشاره به تصویب قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها در مجلس یازدهم گفت: مجلس در تصویب این قانون با مردم صادق نبود. مفاد قانون را که نگاه می‌کنیم «کاهش تسهیلات است برای اما عنوانش «کاهش تحریم است». چرا خلاف به مردم می‌گویید؟ چرا این شجاعت وجود ندارد که به مردم صادقانه بگوییم می‌خواهیم از برجام خارج شویم؟ با صراحت می‌گوییم که این مصوبه مجلس باعث افزایش تحریم‌ها و فشار بر مردم می‌شود و در عین حال کاری کاملاً احساسی و بدون مطالعه است و در برخی مفاد کاملاً سیاسی و بدون برخورد با دولت است. باید تأسف خورد که منافع ملی و منافع مردم اصلاً مدنظر نبوده و فقط قصد آقایان انتقام‌گیری است. اینکه رئیس مجلس از یک فرصت تلویزیونی استفاده می‌کند و می‌خواهد انتقام دوران انتخابات را بگیرد و به دولت بگوید شما هفت سال کاری برای کشور انجام ندادید، جای تأسف دارد.